irannewspaper.ir

• چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۱۶۵
• اذان ظهر ۱۲/۰۴ • اذان مغرب ۱۸/۵۸ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۸ • اذان صبح فردا ۳/۵۶ • طلوع آفتاب فردا ۵/۲۶

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** کمیل نقی‌پور
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی) • مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی(اجتماعی)
• بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست) • لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش) • زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی) • مهدی کلهرنژاد(اجرایی) • حجت حکیمی(صفحه‌آرایی) • محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

الهی تو دوختی من در پوشیدم و آنچه در جام ریختی نوشیدم هیچ نیاید از آنچه کوشیدم. الهی ما که به تو زنده‌ایم هرگز کی میریم؟ ما که به تو عزیزیم هرگز چون ذلیل شویم؟

خواجه عبدالله انصاری/ مناجات‌نامه

سخن روز

امام علی علیه السلام:
خداوند روزه را واجب کرد تا به وسیله آن اخلاص خلق را بیازماید.
نهج البلاغه(صبحی صالح) ص ۵۱۲ ، ح ۲۵۲

نگاره

امیرحسین جعفری نژادان/ طراح و کارتونیست

فضای مجازی

واکنش خواننده مشهور کشور به انتخاب چهره هنر انقلاب، یادآوری ضرورت مطالعه در دین، تمجید مجری صداوسیما از یک اثر نمایش خانگی، نقد یک فعال فرهنگی بر سازمانی کردن اقدامات مردمی و معرفی یک فیلم علیه نظام سرمایه‌داری را در فضای مجازی امروز خواهید خواند.

تمجید محمد معتمدی از انتخاب چهره سال هنر انقلاب

«معتمدی» خواننده سرشناس کشور در خصوص انتخاب محمد مهدی سیار به عنوان چهره سال هنر انقلاب نوشته: «بسیاری از عاشقانه‌هایی که در این سال‌ها تقدیم شما عزیزان کردم، شعر و کلامش اثر طبع دوست عزیزم دکتر محمدمهدی سیار است؛ حالا که میروی، حرف بزن، مژده باران و ...اینکه ایشان در تاریخ رخدادهای فرهنگی کشور به عنوان چهره هنری منتخب سال انتخاب می‌شود از خوش‌سلیقگی انتخاب‌کنندگان حکایت دارد. به لطافت عاشقانه‌هایی که برای مردم سرودی تبریک ما را هم پذیرا باش.»

اهمیت مطالعه و تدبر در دین

وحید یامین‌پور مدرس دانشگاه و نویسنده، استوری از حمیدرضا میررکنی نویسنده و پژوهشگر منتشر کرده با این شرح: «کسی که هفته‌ای یک شب به تفقه و مطالعه و تدبر در دین مشغول نشه ، قسی‌القلب از دنیا می‌ره . زندگی بازی نیست. مطالعه هم بازی نیست. کتابی که مؤمن رو به حقیقت قیامت نزدیک نکنه، ما رو در قیامت لال می‌کنه. دوره راهنمایی عالمی بهم گفت.»

تحسین مجری صداوسیما از یک سریال نمایش خانگی

مژده لواسانی با اشاره به بازی خوب شهاب حسینی در سریال «پوست شیر» نوشته: «صبر کردم به آخرین هفته پخش سریال تماشایی پوست شیر برسیم و بعد بنویسم. بنویسم که چقدر خوشحالم بعد از مدت‌ها یک سریال ژانر پلیسی ایرانی استاندارد که قصه و ساخت درست داره و میشه با هیجان و رغبت دنبالش کرد، دیدیم. بنویسم که چقدر خوشحالم از دیدن درخشش دوباره شهاب حسینی که این چنین یک افسر آگاهی درخشان رو با این جزئیات دقیق به نمایش گذاشت و خودش رو با شکوه تمام، احیای دوباره کرد. بنویسم که چقدر خوشحالم دوست و همکار نازنینی که از بیست سال قبل و از کودکی و نوجوانی کنارش کار کردم و می‌شناسمش، سریالی در این سطح ساخته و یک تهیه‌کننده موفقه. نوید محمودی، جمشید محمودی و همه رفقای تیم سازنده پوست شیر، خدا قوت و دمتون گرم.»

آسیب سازمانی کردن کارهای مردمی

فاطمه رایگانی، دانشجوی فلسفه و فعال فرهنگی در توئیتر نوشت: «استعداد نهادهای حاکمیتی این است که با سازمانی کردن کارهای مردمی، آنها را از معنا تهی کنند. مقلوبه یک حرکت زیبای زنانه است که کاملاً مردم‌پایه و ساده در دل یک زندگی جاری تکرار می‌شود. تبدیل کردنش به مانور سازمانی با پوشش‌های اغراق‌شده، نتیجه‌ای جز مضحکه ساختن ندارد. همین روح جمعی مولد است که می‌تواند با مشارکت گرفتن فرهنگ مقاومت را زنده بدارد و منتقل کند. حالا تصور کنید یک نهاد حاکمیتی، با طراحی سازمانی بخواهد بخشی از این سنت را از بافت خودش بیرون بکشد و در محیط اداری بازسازی‌اش کند. نتیجه می‌شود همین مضحکه‌ای که راه افتاده است. هر چقدر که تصویر اول، با آن لباس‌های عادی متنوع در محیط عمومی، زنانگی و حس زندگی دارد، تصویر دوم با این چفیه‌های گره‌شده روی چادر و این آرایش ردیفی در محیط غیرعمومی فریاد می‌زند که من برآمده از یک فراخوانم، برای نمایش بدون خلاقیت یک شعار.»

«مردی به نام اتو» علیه سرمایه‌داری

احسان رشیدی، روزنامه‌نگار درباره فیلم «مردی به نام اتو» در اینستاگرامش نوشت: «فیلم مردی به نام اتو، یک فیلم انسانی و ضد سرمایه‌داری است که برگرفته از داستان مردی به نام اتو است. ریتم داستان در ده دقیقه اول کند است ولی با ورود همسایه‌های جدید، تغییر شخصیت اتو نیز شکل می‌گیرد و با دردهای او نیز آشنا می‌شویم؛ دردهایی که جامعه سرمایه‌داری برای مردم به وجود آورده، جامعه مریضی که عشق را در جامعه کشته است... در این فیلم، شرکت‌های مختلف بساز، بفروشی(نمادی از نظام سرمایه‌داری) سعی دارند انسان‌های سالمند را حذف کنند و جای خانه‌های قدیمی برج‌های بزرگ و ساختمان‌های چند طبقه بسازند ولی با اتحاد و همکاری اتو جلوی این شرکت گرفته می‌شود. با اتحاد و همدلی و یکی شدن می‌شود جلوی لودرهای نظام سرمایه‌داری را نیز گرفت. در سریال (اتو) تام هنکس می‌گوید، این شرکت‌ها باعث نابودی امریکا و پایان و مرگ امریکا شده‌اند.»

نقل قول

مینا صدری
نگارگر

کمال‌الدین بهزاد، هنرمند انقلاب اسلامی است

انقلاب به معنای قلب و تحول؛ از حالی به حال دیگر شدن است که انقلاب یا منقلب شدن معنی می‌دهد. این منقلب شدن اگر در مسیر اعتقادات دینی و دین اسلام باشد، در هر زمانه‌ای ممکن است اتفاق بیفتد و چیزی نیست که فکر کنیم مختص به یک زمان و دوره خاصی است. هر زمان این نوع احوال در آدمی شکل بگیرد،«هنر انقلابی» به ظهور می‌رسد و حتی در هنرمندان نگارگر قدیمی ایران نیز هنرمندان انقلاب اسلامی داشتیم. به اعتقاد من، هنرمندی مثل کمال‌الدین بهزاد، هنرمند انقلاب اسلامی است، به این معنی که اعتقادات دینی، قلبش را متحول می‌کند. اگر جز این باشد، آدم نمی‌تواند اثری را خلق کند، یعنی تا زمانی که آن تحول صورت نگیرد، یک اثر به ظهور نمی‌رسد. ما باید این تمدن اسلامی که داریم، روی چشممان قرار دهیم چون در برگیرنده این هویت و تمدن دینی و اسلامی است و به همین راحتی نباید از آن بگذریم و به فراموشی بسپاریم یا کوچک بشماریم.

برگرفته از گفت‌وگوی مهر با مینا صدری، چهره سال هنر انقلاب در رشته نگارگری

طنز

ریحانه ابراهیم‌زادگان
طنزنویس

اتول زمان آلامد

چشم دشمن کور گوش شیطان کر، تا بوده خویش و خودی و هفت پشت غریبه به جهت رایزنی و تدبیر در انتخاب رخت و لباس و خورد و خوراک و دکوراسیون از ما سراغ گرفته‌اند و سلیقه و ابتکارمان اسباب تحسین و ندرتاً حسادت و عداوت بوده. به ظن اکثر مردم، صناعت آلامد منوط به پیشرفت و به روز شدن بوده لکن تجربه ثابت کرده اوضاع به این منوال نیست.

خانجان خدابیامرز پسله گنجه یک صندوقچه داشت از قدیم البسه و اسباب به جهت ضبط حفظ خاطره جمع کرده بود. گه گاهی سراغش می‌رفتیم دوری در لباس‌ها می‌زدیم و اگر سردماغ بود پاتکی هم می‌زدیم. خاطرمان است یک رودوشی قلاب‌بافی عنابی داشت از بس دیده‌نواز بود با ضرب التماس و ضجه از چنگ صندوقچه در آوردیم. هرچه خانجان گفت از مد افتاده به درد کسی نمی‌خورد اعتنا نکردیم آوردیم خانه. نوبه بعدی که هوا سوز ملس بهاری داشت انداختیم روی دوش‌مان رفتیم میهمانی. به از شما نباشد یه جوری انگشت به دهان و متحیر وراندازمان می‌کردند چهارقل از دهان‌مان نیفتاد.

گلاب به رویتان این مدل‌های آب و نان نخورده کت واک می‌خواهند البسه به‌روز بپوشند به هیأت دیو و اجنه در می‌آیند آدم خوف می‌کند؛ جوان‌ترها هم نشسته‌اند ببینند آنها چه بلایی به سر خودشان می‌آورند تأسی کنند. این دادار دودور مد و فشیون، ادا اصول است. رفته بودیم سراغ ژورنال‌های قدیمی مادر محترم. چند جلد ژورنال خیاطی، الگو و مدل لباس داشتند. نگاه می‌کردیم مکرر حیرت‌مان می‌شد. هرچه مداقه می‌کردیم لباس‌ها خلاف تصورمان از نو مد شده بود.

قدیم‌ها عتیقه و نوستالژی آنقدر ممتاز و مهم نبود که! کسی خاطرش نمی‌ماند هرچه مد می‌شود دور چرخیده از قدیم ندیم برگشته. صناعت مد تمثال اتول زمان می‌رود بیست سی سال قبل‌تر می‌جورد هرچه پیدا کرد می‌آورد به اسم آلامد به مردم قالب می‌کند.

ایام طفولیت ما گنجه هر خانه‌ای پر بود از ظروف ملامینی که رنگ زردچوبه ماکارونی به خط و خش رویش می‌ماسید. فی‌الحال دوباره مد شده‌اند! رفتیم بخریم به یاد ایام قدیم حاق ملامین ماکارونی بخوریم خاطرات طفولیت زنده شود، دیدیم ملت ظرف و ظروف قدیمی به قیمت خون پدرشان گذاشته‌اند برای فروش. همین کاسه گلسرخی‌های جهاز خانجان که این اواخر افتاده بود زیر دست بچه‌ها تا مبادا ظرف و ظروف نو به خاک سیاه نشانده لب پر کنند؛ دانه‌ای خداتومن می‌خرند و می‌فروشند!

اصلاً همین فوتوغراف‌های عهد ناصرالدین شاه! نسوان هرچه زیباتر ابروها پرو پیمان‌تر و سبیل‌ها از بناگوش در رفته تر...

از دوره ابروی نازک و تیغ زده دور زدیم برگشتیم به همان دوره؛ به اسم مد هم یک اتیکت زیبایی نچرال چسبانده‌اند رویش.

القصه به سیاقی که اتول مد پیش می‌رود و هر چند سنه یک بار دور برگردان تاریخ برگشته می‌رود سراغ بیست سی سال پسین، هرچه البسه و اسباب اثاثیه بچپانیم پسله گنجه، پس‌انداز کرده‌ایم! چند سنه پیشتر کمتر به جهت خرید هزینه می‌کنیم.

یادداشت

حسام آبنوس
روزنامه‌نگار

اگر کتاب بودم

چند وقت قبل رفته بودم داخل یک کتابفروشی مخصوص کودکان و نوجوانان تا برای پسری کتاب انتخاب کنم. اگر از سختی‌های انتخاب کتاب برای بچه‌ها بگذریم که خودش به تنهایی قابلیت این را دارد که مثنوی هفتاد من درباره‌اش کاغذ سیاه کنیم و نگویم که بابت خرید چند کتاب چند ساعت وقت گذاشتم سرآخر هم ناراضی از کتابفروشی بیرون رفتم.

حین گشت و گذارم بین کتاب‌های کودک و نوجوان (حقیقتاً دنیایی دارد این کتاب که گاهی کتاب‌های بزرگسال این حس و حال را ندارد) چشمم به کتابی خورد که واحد کودک و نوجوان یک نشر دولتی منتشر کرده بود. هر قدر کتاب را برانداز کردم متوجه نشدم چنین کتابی چطور ممکن است برای مخاطب کودک و نوجوان مفید باشد؟ از این سؤال هم مثل ماجرای انتخاب کتاب برای کودکان اگر گذر کنیم، باید بگویم به عنوان کسی که شبانه‌روزش را با کتاب‌ها سپری می‌کند ایده کتاب برایم جالب بود.

ایده کتاب این بود که اگر کتاب بودم دوست داشتم چگونه باشم و چگونه با من برخورد شود. همین ایده برای من کافی بود تا موتور خیال‌پردازی ذهنم روشن شود و به پرواز در بیایم. اینکه اگر کتاب بودم دلم چه چیزی می‌خواست؟ رمان باشم یا فلسفه و تاریخ، جلدم گالینگور باشد یا شومیز، با چه کاغذی چاپ شده باشم، توی ویترین کتابفروشی بنشینم یا بروم آن پشت‌ها تا روزی یک نفر خوره کتاب با شوق و ذوق بعد از کلی گشتن پیدایم کند و نفس راحتی بکشد که توانسته کتابی را که یکسال دنبالش می‌گشته پیدا کند، پرفروش باشم یا اینکه یک کتاب معمولی، از آنها باشم که نخبگان دوستش دارند یا ازآنها که از زن خانه‌دار تا استاد دانشگاه با من ارتباط برقرار می‌کنند؟ حتی ذهنم بیشتر پرواز کرد و رفتم به این سمت و سو که دوست داشتم چه مخاطبی من را بخواند، دخترکی ۱۸ ساله که تازه طعم عشق را چشیده یا کامل‌مردی جا افتاده، اینکه چه دست‌هایی من را لمس کنند، یا کدام چشم‌ها به کلماتم خیره شوند و در یک نشئگی سرگیجه‌آور غرق شوند و به خاطرات نقب بزنند. نمی‌دانم دوست داشتم زیر کلماتم خط بکشند یا سالم و تمیز نگهم دارند یا اصلاً شاید دلم می‌خواست کتاب کودک باشم تا زیر دست و پای پسرکی در خانه‌ای کوچک، میان اسباب‌بازی‌ها باشم تا شاید پسرک دلش بخواهد من را با کمک مامان یا بابایش ورقی بزند و چندکلمه‌ای را که در هر صفحه نوشته شده، بخواند. شاید هم از آن کتاب‌هایی بشوم که بلاگرها برای چندلحظه دستشان می‌گیرند تا عکسی گرفته شود تمام!

هرچه هست دلم می‌خواهد کتاب باشم. کتاب باشم تا چراغ آگاهی از هر جنسش را در دل مردم روشن کنم. اینکه چه کتابی شدم اهمیت ندارد، مهم این است که خوانده شوم. مهم نیست زردم یا صورتی یا قرمز، مهم این است که پله‌ای از پله‌های رسیدن به روشنایی معرفت باشم. دلم می‌خواهد اگر قرار است کتاب باشم، فقط کتاب باشم.

پیشنهاد

پرستو علی‌عسگرنجاد
روزنامه‌نگار

پاندای دوست‌داشتنی این «مرداب»

این پاندای دوست‌داشتنی را می‌بینید؟ ایشان قدر صدها بولتن و همایش و سخنرانی، کار فرهنگی می‌کند. او یکی از بهترین سفیران فرهنگی جهان است، آن‌هم سفیری که روی اثرپذیرترین قشر عالم که کودکان باشند، اثر می‌گذارد. اصلاً با حضور آثاری از این دست است که بر این باورم که انیمیشن می‌تواند سفیر فرهنگی یک مملکت باشد.

استیل واتر که در فارسی به «مرداب» ترجمه شده (که کار غلطی هم هست، چون استیل‌واتر اسم خاص و نام همین پانداست و نباید برگردان شود) یک سریال سه‌فصلی جذاب است. اپل‌تی‌وی‌پلاس در ۲۰۲۰ زحمت تولیدش را کشیده. این سریال بر مبنای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان ساخته شده و سرشار از جملات آرام‌بخش و انگیزه‌بخش روان‌شناسانه است. داستان، ماجرای زندگی سه خواهر و برادر است که در همسایگی یک پاندا زندگی می‌کنند. در هر قسمت، یکی از آنها با چالشی مواجه می‌شود و استیل‌واتر با تعریف‌کردن یک قصه، به‌طور تلویحی راه برون‌رفت را به آنها نشان می‌دهد.

قصه! همین برگ برنده اثر است. استیل‌واتر نصیحت و توبیخ و سرزنش نمی‌کند، بلکه همدلانه و غیرمستقیم مشورت می‌دهد. قصه‌ها خیلی ساده و کوتاه‌اند، اما مؤلفه‌ای مهم دارند. همه‌شان برگرفته از داستان‌های کهن و فولکلور ژاپن هستند. «روی بوردین»، کارگردان اثر، با اتخاذ روشی هنرمندانه، فضاسازی درخشانی کرده. داستان زمان حال را به شکل سه‌بعدی (۳D) ساخته، اما به محض ورود به فضای قصه‌های کهن، فضا دوبعدی (۲D) می‌شود تا حس نوستالژیک کارتون‌های قدیمی و فرهنگ کهن ژاپن را با هم به ما منتقل کند. این همان تکنیکی است که کارگردان نابغه ژاپنی، مامورو هوسودا نیز پیش از او در آثاری چون #بل آن را به کار بسته بود.

استیل‌واتر نوعی همکاری فرهنگی میان امریکا و ژاپن است. سه شخصیت امریکایی در کنار یک نماد ژاپنی. به همین دلیل است که روح حاکم بر فضای اثر هم امریکایی-ژاپنی شده. مثلاً نکته‌ای که اذیتم می‌کند، این است که در فصل اول، هیچ خبری از والدین بچه‌ها نیست! تنها یک‌بار در قسمت هفتم از مادر صرفاً نام برده می‌شود! ریشه در فرهنگ ژاپنی دارد که خیلی زود به بچه‌ها استقلال می‌دهد؟ (طراحی شخصیت امریکایی است. چهره‌ها اصلاً شرقی نیست و این فرض، بعید است.) ریشه در فرهنگ امریکایی دارد که التفاتی به خانواده‌محوری ندارد؟ می‌خواهد بدون حضور بزرگ‌ترها، فضای اثر کودکانه‌تر و عاری از نصیحت باشد؟ نمی‌دانم! اما آماده باشید برای فرزندتان سؤال شود که والدین این بچه‌ها کجا هستند و چرا آنها تنها زندگی می‌کنند؟

برای این معرفی، از سنت همیشه‌ام خارج شده‌ام. پیش از دیدن فصل دو و سه، با اکتفا به فصل اول معرفی‌اش کردم، چون نکات مثبت و سازنده‌اش را فراوان می‌دانم. بنابراین تا این‌جای کار، می‌توانم نظرم را درباره فصل اولش اعلام کنم که به گمانم محدودیت سنی برای تماشا ندارد و مناسب همه سنین است.

دعای روز بیست و هشتم ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ وَفِّرْ حَظِّی فِیهِ مِنَ النَّوَافِلِ وَ أَکرِمْنِی فِیهِ بِإِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَ قَرِّبْ فِیهِ وَسِیلَتِی إِلَیک مِنْ بَینِ الْوَسَائِلِ یا مَنْ لا یشْغَلُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّینَ

خدایا بهره‌ام را در این ماه از مستحبات فراوان کن و مرا با تحقق درخواست‌ها اکرام فرما و از میان وسایل، وسیله ام را به سویت نزدیک کن، ای که پافشاری اصرارورزان مشغولش نسازد.

کلمه

حسن آقاجانی
فعال فرهنگی حوزه بین‌الملل

انقلاب صادراتی، صادرات انقلابی

تاریخ چهل‌وچند ساله انقلاب اسلامی کم شاهد مواضع و کنش‌های متنوع تحت‌عنوان «صدور انقلاب» نبوده است؛ اقداماتی که گاه به‌عنوان سرفصل انقلابی‌گری و حضور در میدان تعبیر شده و گاه حتی از سوی خود انقلاب طرد و محکوم شمرده شده است. از تجربه نهضت‌های آزادیبخش و گفتمان ایجاد امپراطوری پارسی گرفته تا حضور نظامی در منطقه غرب آسیا و تأسیس دانشگاه دینی بین‌المللی در پنج قاره، همه بخشی از کنش‌هایی هستند که به پای صدور انقلاب نوشته شده است.

حقاً و انصافاً آنها که برای صدور انقلاب به هر نحوی کوشیده‌اند هم بی‌تقصیرند! انقلاب تاریخی مردم ایران اسلامی چنان زیر میز بازی زد که عجیب نیست اگر هر واله و شیدایش بخواهد آن را در تمام گیتی بگسترد. بنابراین مسأله من این نیست که «چرا انقلاب را صادر می‌کنید»؛ بلکه می‌خواهم کمی در مفهوم صدور انقلاب کاوش کنم.

نویسنده‌ای شهیر برای آموزش نویسندگی خلاق می‌گفت باید سعی کنی نخستین تشبیه و وجه‌شبهی را که می‌یابی، ننویسی! آن را همه می‌دانند. حالا در مورد صدور انقلاب هم حرف همین است. از ابتدای انقلاب که سخن از صدور آن به میان آمده، اغلب نخستین معنایی را در نظر گرفته‌ایم که به ذهن‌مان رسیده است: نگارش شب‌نامه، حضور زیرزمینی، حمایت از مخالفان سیاسی رژیم‌های غیرانقلابی، تلاش برای اخلال در کشورهای دیگر و... .

> از ابتدای انقلاب که سخن از صدور آن به میان آمده، اغلب نخستین معنایی را در نظر گرفته‌ایم که به ذهن‌مان رسیده است: نگارش شب‌نامه، حضور زیرزمینی، حمایت از مخالفان سیاسی رژیم‌های غیرانقلابی، تلاش برای اخلال در کشورهای دیگر و... . کاش برای اخذ راهبرد این کار نگاهی به رهنمودهای سکانداران انقلاب هم می‌انداختیم

کاش برای اخذ راهبرد این کار نگاهی به رهنمودهای سکانداران انقلاب هم می‌انداختیم. رویکرد تبیینی رهبری معیار خوبی به دست می‌دهد:«امام نهضت را جهانی می‌دانست... این غیر از دخالت در امور کشورها است -که ما نمی‌کنیم- این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است- که ما این کار را نمی‌کنیم؛ اهلش نیستیم- این معنایش این است که بوی خوش این پدیده رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملت‌ها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملت‌های مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجا است.»[۱]

حال جا دارد از خود بپرسیم دغدغه‌های صادراتی ما برای انقلاب چقدر در این بردار می‌گنجد؟ تا به حال اینچنین به انقلاب خود نگریسته‌ایم. اصلاً راه پراکندن این رایحه خوش چیست؟

وقتی می‌خواهید عطری را به دوستتان پیشنهاد دهید چه می‌کنید؟ مجبورش نمی‌کنید بخرد. با توصیف تئوری هم انتظار مقبول افتادنش را ندارید، بلکه آن را نشانش می‌دهید تا ببوید. موافقیم که انقلاب‌مان «نشان‌دادنی» است؟ نشانش دهیم. چطور؟

قرار نیست عطار بگوید، باید خود ببوید. هر روز، هر جای این کشور که کار می‌کنیم، بهترینِ خود را ارائه دهیم. هر نقصی که دیدیم، بکوشیم برطرف کنیم. هر ایده‌ای داشتیم، به معرض نقد و چکش‌کاری بگذاریم. به هم کمک کنیم و بدانیم هر یک پیچی که سفت می‌کنیم، ستونی را زنده می‌کند. صدور انقلاب کار دستگاه‌های سیاست خارجی و مجموعه‌های بین‌المللی نیست؛ انقلاب صادراتی ما چیزی جز کیفیت خود برای عرضه ندارد و کیفیتش وابسته به کیفیت ما است. بیایید انقلاب را صادر کنیم!

۱۳۸۹/۳/۱۴ [۱]

عکس‌نوشت

مراسم رژه روز ارتش صبح دیروز سه‌شنبه با حضور مقامات لشکری و استانی در میدان صبحگاه تیپ ۱۹۲ زرهی ارتش جمهوری اسلامی ایران در اهواز برگزار شد./ مهر